

ترس از جرم در زنان در فضاهای شهری شهرستان بروجرد

علی آرمان

دانشجوی دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی

Iaub.farhangi@yahoo.com

۰۹۱۶۶۶۲۶۳۹۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۲۲

چکیده

طرح مساله: ترس از قربانی جرائم شدن در بین زنان یکی از موضوعات برجسته در مطالعات جرم شناسی و جامعه شناسی انحرافات و شهرسازی است. در این مقاله نتایج پژوهشی ارائه می شود که تلاش داشته است وضعیت ترس از جرم را در فضاهای عمومی شهری را در بین زنان شهر بروجرد مطالعه کند. روش: در این روش های کیفی و کمی استفاده شده است؛ بدین ترتیب که بعد از بررسی نظریه های تبیین گروتهیه مدرل و ارائه فرضیه و نیز برگزاری چندین جلسه متمرکز گروهی با زنان در مناطق مختلف شهر، پرسش نامه ای تهیه و در بین ۸۰۰ نفر از زنان ساکن در مناطق مختلف شهر بروجرد اجرا شده است. یافته ها و نتایج: یافته ها حاکی از آن است که حدود ۴۸ درصد زنان در حد زیاد ۲۳ درصد در حد متوسط و ۱۹ درصد در حد کم در فضاهای شهری نیست به تهدید جرائم دچار ترس و واکنش اند در بین زنان تحصیل کرده و دارای درآمد بالا زنانی که در مرحله آن ها ساختمان ها و زمین های متروکه کم تر بوده و زنانی که از فعالیت های پلیس رضایت بیشتری داشته اند میزان ترس از جرم کم تر بوده است.

واژگان کلیدی: زنان، فضای شهری، ترس از جرم، قربانی شدن

مقدمه

پیوند مفهوم شهر و جرم از زمانی که جامعه شناسی هویت علمی مستقلی یافت همواره در کنار یکدیگر موزه بررسی قرار گرفته است پارک (R.E.park) و برگس (E.W.Burgess) در تبیین شیوع انحرافات و آسیبهای اجتماعی شهر شیکاگو برپدیده شهرنشینی متمرکز شده و برزیان، قومیت، مهاجرت، حوزه های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تاکید ورزیدند پارک بر این باور بود که نواحی شهری از انگیزه ها و غرایز ساکنان ممانعت می کند و انحرافات اجتماعی را سبب می شود. سازمان فیزیکی شهر تأثیری عمیق بر الگوهای فرهنگی -

اجتماعی زندگی شهری دارد (احمدی، ۱۳۸۴: ۵۶)

وجود چنین پتانسیلهایی در زندگی شهری موجب آن می شود که ساکنین شهرهای بزرگ در زمینه برخورد یا چگونگی مواجهه با جرائم پیش رو دچار نگرانی ها و ترس هایی باشند. در واقع پنداشت جرم به برداشت یا پنداشت شهروندان در خصوص وضعیت جرایم در شهر یا محل سکونت شان ارتباط می یابد این چنین پنداشتی بر سایر ابعاد ذهنی شهروندان نیز تاثیر خواهد نهاد و باعث تقویت یا تعدیل آن چیزی خواهد شد که در جرم شناسی ترس از جرایم نامیده می شود در دهه گروههای جنسی، سنی، قومی، مذهبی و شغلی به یک اندازه نیست مسائلی که در سالهای اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران عرصه جرایم شهری را به خود جلب کرده است تاثیر جنسیت بر میزان ترس از جرم است. تحقیقات مختلف بیانگر آن است که زنان بیشتر از مردان از وقوع جرائم می ترسند. در این مطالعه تلاش شده است تا زمینه های ترس از جرائم در بین زنان بررسی شود و عوامل موثر بر نگرانی ها و ترس های زنان در فضاهای عمومی و محیط شهری شناسایی گردد. پرسش اصلی این پژوهش آن است که: میزان ترس از جرائم در فضاهای عمومی شهری در بین زنان چقدر است و چه عواملی بر این امر تاثیر گذارند؟

برخی از سئوالات دیگر این مطالعه عبارت است از:

* آیا زنان در محیط ها و فضاهای عمومی شهری (ایستگاههای تاکسی و اتوبوس، کوچه و خیابانهای محله، تلفن عمومی، رانندگی، پارک ها و مراکز تفریحی، بازار، مکان های ورزشی و...) دچار مشکلی شده اند و معمولاً "در برابر انواع مشکلات چه واکنشی از خود نشان داده اند؟

* زنان جهت محافظت از خود در مقابل جرائم سطح شهر چه تدابیری به کار می برند؟

* آیا بین روابط محله ای و ترس از جرم رابطه وجود دارد؟

* آیا بین ویژگی های محیطی زندگی و ترس از جرم رابطه وجود دارد؟

مبانی نظری

ارتباط بین شهروجرم از آنروست که ویژگی های فضایی - محیطی شهرمی تواند پرورش دهنده جرائم خاصی باشد. نکته اساسی آن است که شرایط عینی و کالبدی زندگی شهری می تواند روابط شهروندان با شهر را محدود سازد. ریشه این محدود سازی تعاملات با شهرونگرانی و ترس آنان از تعرض اعمال و رفتارهای مجرمانه است. شهروندان برای کاهش آسیب ها و ضررهای چنین تعرضی ترجیح می دهند تا حیطة بده بستان خود را با شهر محدود کنند. آسیب ها و پیامدهای ترس از جرائم برای همه گروه های اجتماعی به یک اندازه نیست برخی از گروه های اجتماعی به ویژه زنان بنا به برخی مشاهدات و تجارب خود در زندگی بیشتر دچار احساس ترس از جرم می شوند استانکو (E. Stanko) معتقد است که به طور ثابتی ترس از جرم در زنان سه برابر مردان است. دلایل این امر عبارتند از:

الف) زنان به لحاظ جسمانی توان کم تری در دفاع از خود دارند.

ب) در زنان گرایش فراینده ای برای به یاد آوردن تجارب اولیه زندگی و نسری ترسشان به سایر موقعیت های زندگی وجود دارد.

ج) نگهداری و حفاظت از کودکان ، زنان را بیشتر مستعد ترس از جرم می سازد.

د) زنان کنترل کم تری بر حیطة خصوصی شان دارند از این رو بیشتر می ترسند.

ه) زنان نسبت به سایر انواع آسیب ها بیشتر در معرض تعرض جنسی قرار دارند. از این رو به خطراتی که با آن مواجه می شوند عکس العمل گریانه ای نشان می دهند.

و) زنان همواره با ترس از دنیای بیرون جامعه پذیر می شوند.

ز) سطح ترس زنان معقول است ولی مردان تمایل دارند ترس های خود را طبیعی جلوه

دهند (Stanko, 1992: 127)

در تعریف ترس معمولاً " بیان می شود که ترس یک هیجان پیچیده است. ما بنا به دلایل مختلف و به طرق

گونگونی احساسی ترس می کنیم. ترس چیزی فراتر از یک پاسخ خودکار به خطر است وقتی که ما از چیزی

می ترسیم این امر اغلب نتیجه تعاملات پیچیده بین ما، محیط اجتماعی و فیزیکی ما و پیشینه فرهنگی ماست ترس دربرگیرنده جسم تحرک، حافظه، تجربه، سن، جنسیت، پنداشت ما از خود عقاید و استدلالات ما می باشد. از این روترس از جرم نیزسان ترس، پدیده پیچیده ای است و می تواند بیانگر پنداشت ما از خطر، ترس از قربانی جرائم شدن توجه به جرم به عنوان یک مسئله مربوط به سیاست گذاری های عمومی و حتی نگرانی از زندگی در کل باشد. ترس از جرم اشاره به این امر دارد که افراد چقدر از این که قربانی جرائم مشخص باشند ترس دارند. این امر با میزان نگرانی ناشی از وقوع هر یک از این جرائم روشن می شود. در تبیین ترس از جرم جامعه شناسان و جرم شناسان بر عوامل مختلفی تاکید کرده اند. در این مقاله سعی شده است تا تقسیم بندی چارچوب های نظری بر پایه مفهوم اسای با عامل اصلی هر نظریه انجام گیرد به این ترتیب این نظریهها در تبیین ترس از جرم بر عوامل زیر تاکید کرده اند:

عوامل جمعیت شناختی

در این گروه برخی از نظریه ها به بررسی کلی ترس از جرم پرداخته و جنسیت را به عنوان یکی از متغیرهای جمعیت شناختی مورد بررسی قرار داده اند. در اینجا میزان ترس از جرم در بین زنان و مردان مقایسه می شود. دسته دیگر از آثار به طور خاص به مطالعه ترس از جرایم در بین زنان پرداخته اند در این گروه عواملی نظیر تحصیلات وضع تاهل، شغل، درآمد و سایر عوامل و ارتباط آن ها با ترس از جرایم در بین زنان بررسی شده است. فرارو (K. Ferraro) معتقد بود که نمی توان ادعا کرد که ترس از جرم در بین زنان بیشتر متعلق به جوانان است. این پدیده هم در جوانان و هم در پیران وجود دارد. آنچه که در این گروه متفاوت است دلایلی است که برای ترس از جرایم ابراز می دارند فرارو معتقد است که احساس ناامنی و ترس در زنان جوان بیشتر تحت تاثیر ترس از تعرض جنسی است (Ferraro, 1996: 669)

در ادامه کار فرارو، وار (M. Warr) نیز معتقد بود که زنان زیر ۳۵ سال عمدتاً "نگران تجاوز جنسی هستند ولی وقتی که پا به سن می گذارند این ترس در آن ها از بین نرفته و به شکل جدید دوباره ظهور می یابد از نظر واردر زنان پیر ترس از جرم ناشی از آسیب پذیری فزاینده آنان است (Warr, 1984: 695) در این خصوص برانگارت (R. G. Braungart) نیز عقیده دارد که ترس از خطر آزار و اذیت به طور خاص در بین آن بخش هایی از جمعیت بیشتر است که آسیب پذیر تر و منزوی تر هستند به ویژه پسران ها در این بخش قرار دارند (Braungart, 1980: 231) برخی از صاحب نظران جرم شناسی در بررسی های خود بر "پایگاه

اقتصادی - اجتماعی" تاکید ورزیده اند کین در آثار خود نشان داده است زنانی که منزلت اقتصادی - اجتماعی پایینی دارند از این که به تنهایی در خارج از خانه قدم بزنند و یا شبی در خانه تنها باشد به شدت ترس و واهمه داشته اند او همچنین نشان داد که این چنین ترسی در زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل است. پان تاسیز (C.Pantazis) متعقد بود مشکل زنانی که در فقر به سر می برند فقط فشار مالی نیست. برای مثال زنانی که درآمد اندکی دارند بیشتر مجبورند که تاریکی شب در ایستگاه های مترو یا اتوبوس منتظر بمانند و یا این که پول کافی جهت خرید ابزارهای ایمنی حفاظت از خانه شان ندارند. به همین دلیل ترس از جرم در آنان بیشتر خواهد بود (Pantazis 2000:418)

عوامل پیوند محله ای

استدلال این دیدگاه آن است که هر چه ارتباطات اجتماعی بین افراد یک اجتماع یا محله وسیع تر باشد و آنان بتوانند برای خود شبکه ای از روابط بسازند از این طریق احساس تعلق خاطر به اجتماع شکل خواهد گرفت و این چنین احساسی باعث کاهش ترس از جرم در بین آنان خواهد شد.

مری (s.Merry) دریافت که ساکنینی که فاقد هر نوع پیوند و یا ارتباط اجتماعی بودند ترس بیشتری از جرم داشتند (Merry, 1981:38) فیشرنیز نشان داد که بی اعتمادی بین همسایگان و بین هم محله ای ها باعث می شود تا ساکنان نسبت به دنیای بیرون از خود ترس و واهمه نشان دهند (Fischer, 1982:70).

گرین برگ و همکارانش نشان داده اند که دلبستگی عاطفی به عنوان عنصر اساسی همبستگی اجتماعی عامل اصلی کنترل منطقه ای به شمار می رود چرا که احساس تعلق خاطر به اجتماع به فکری باعث می شود تا افراد احساسی کنند. که تحت کنترل اجتماع شان قرار دارند و اجتماع به فکر آنان است (Greenberg, 1982:128) از این رو احساس داشتن پشتیبان کرده و در نتیجه محله شان را امن تر از آن چیزی فرض می کنند که واقعا آن گونه است.

تجربه قبلی جرم

باید توجه داشت که تجربه قبلی جرم خشونت آمیز شامل تعرض جنسی تا جرم غیر خشونت آمیز نظیر مزاحمت تلفنی و یا تنه زدن در خیابان را شامل می شود. وارد آثار خود تاکید می ورزد که تجربه قبلی جرم می تواند به شکل غیر مستقیم بر ترس تاثیر بگذارد (Warr, 1984, 697) در این زمینه کین هم عقیده دارد که تجربه حملات و تعرضات خاص نسبت به سایر عوامل به شکل بهتری ترس از جرم را تبیین

می کند حتی درکنار حملات و آزارهای فردی جدی نظیر تعرض جنسی ، سایر تعرضات نظیر تهدید به این امر ، تعقیب شدن مزاحمت تلفنی و مواجهه با مردان عورت نما نیز موجب ترس می شومند (Keane, 1995, 447) از نظر مک میلان (R. Macmillan) و همکرانش تجربه رفتار تهدید آمیز از منبعی ناشناخته و غریبه پتانسیل بیشتری را برای ترس از خشونت جنسی فراهم می آورد (Macmillan, 2000, 317)

ویژگی های فیزیکی محله (طراحی شهری)

در این دیدگاه استدلال بر آن است که برخی فضاهای شهری به گونه ای است که زمینه ترس بیشتری را فراهم می آورند عدم وجود نور کافی در خیابان ، کوچه های تنگ ، ساختمانهای یک طبقه و قدیمی خوابیدن بی سرپناهان و معتادان در کنار خیابان و نبود پیاده رو در اتوبان ها از آن جمله اند در سال ۱۹۷۲ اسکار نیومن (o. Newman) نظریه فضای قابل دفاع را به عنوان ابزاری جهت کاهش جرم در نواحی شهری ارائه داد. او معتقد بود که فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آن ها بیشتر باشد و در ضمن امکان برای فرار فراهم آورند پتانسیل کم تری برای فعالیت مجرمان فراهم می آورند از این رو برای مثال استدلال می شود که نرده ها و پرچین ها ابزاری در جهت ممانعت از جرم باشند اما این رسانه ها در گزارش های خود درباره جرایم خشونت آمیز می تواند این پنداشت را به وجود آورد که جرایم (به ویژه آن جرایمی که مردم بیشتر از آن ها می ترسند) به شدت در حال رشد هستند.

مدل نظری

نظریات مطرح شده هر کدام بر متغیرهای مختلفی - که بر ترس از جرم و به ویژه ترس از جرم زنان تاثیر گذارند - تاکید داشتند. در صفحه بعد مدل نظری برآمده از این نظریات ارائه شده است.

روش تحقیق

روش اصلی گردآوری اطلاعات در این تحقیق پیمایش بوده است؛ اما جهت پربارتر کردن این روش گام های چندی طی شد که عبارتند از:

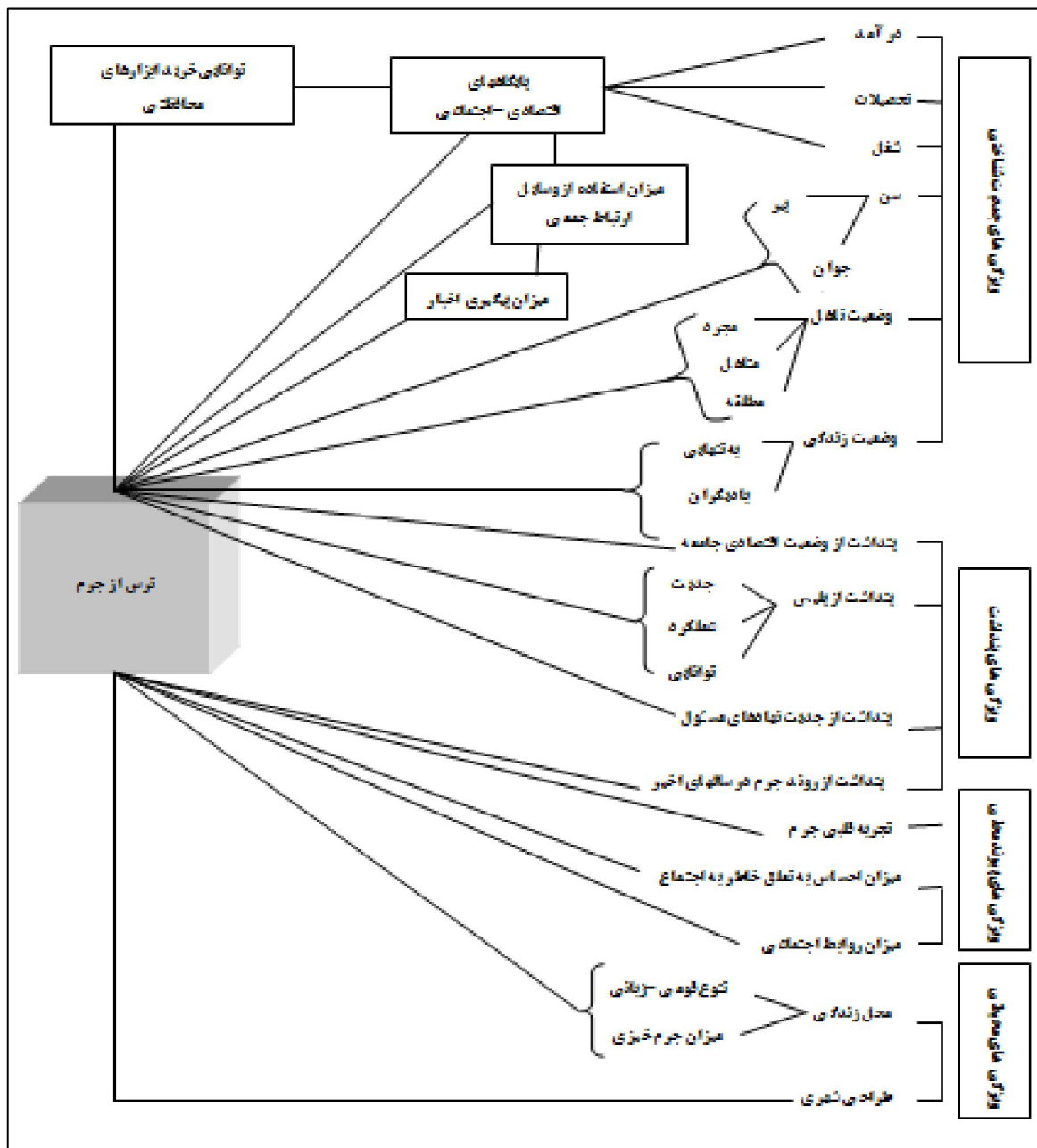
الف) مرور گزارش های سازمانی و کارشناسی

ب) مرور منابع تئوریک

ج) جلسات متمرکز گروهی قبل از تنظیم پرسشنامه پیمایش و با هدف درک زوایای پنهان ذهنیت افراد مورد مطالعه ۱۱ جلسه متمرکز گروهی با دختران و زنان برگزار شد. عمده ترین سئولات این جلسات عبارت بودند از

معمولاً" برای قدم زدن هواخوری یا تفریح کجا می روید؟ این مکان ها در کجای بروجرد قرار دارند؟ در این مکان ها

چه چیزهایی توجه شما را جلب کرده است؟ چه چیزهای شما را آزار داده است



شکل شماره ۱- معیار های در نظر گرفته شده در انجام پژوهش

از منزل که خارج می شوید به چه فکری می کنید؟ چه چیزهایی شما را نگران می کند؟ چقدر تمرکز دارید؟ چه چیزهایی را مروری کنید؟ بیشتر چه کسانی را در سطح شهر می بینید؟ در راه، اتوبوس، در تاکسی، در اماکن شهری و... حضور مردان چه اندازه توجه شما را جلب می کند؟ چه تلقی از برخورد آنان با خود دارید؟ چقدر از خود مواظبت می کنید؟ در شهر چقدر احساس آرامش دارید؟ چه چیزهایی آرامش شما را مختل می کند؟ آیا شهر امن است؟

ماهیت امنیت

د) پیمایش بر پایه مراحل پیشین پرسش نامه ای تنظیم شد. این پرسشنامه جهت کسب اعتبار صوری در اختیار کارشناسان قرار گرفت و از طرف دیگر جهت رفع اشکالات محتوایی و اجرایی احتمالی مورد پیش آزمون واقع شد. جامعه آماری پیمایش دختران و زنان ۱۴ سال و بالاتر ساکن در مناطق مختلف شهر بروجرد بودند. نمونه ۸۰۰ نفری پاسخگویان این پرسش نامه از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. از مجموع زنان مورد مطالعه ۱۷ درصد ۱۴ تا ۲۰، ۴۴ درصد ۲۰ تا ۳۰ و ۱۷ درصد در گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال قرار داشت ۱۲/۵ درصد ۲۰ تا ۳۰ و ۱۷ درصد ۳۰ تا ۴۰ درصد مجرد و ۴۴ درصد متأهل و مابقی بدون همسر (فوت یا طلاق) بودند. از نظر تحصیلی ۵ درصد ابتدایی، ۱۶ درصد راهنمایی و دبیرستان، ۳۹ درصد دیپلم، ۳۷ درصد لیسانس و بالاتر از لیسانس نیز ۳ درصد نمونه را به خود اختصاص داد.

یافته ها

دختران واقع در سنین ۱۵ تا ۲۰ سال به دلیل ظاهر دانش آموزی شان کمتر نگران سرقت بودند. این نگرانی در زنان بالای ۵۰ سال بیشتر بود.

زنانی که در مناطق مرفه نشین شهر شهر زندگی می کنند خلوتی کوچه ها و معابر را عامل بسیار نگران کننده ای می دانستند بیشتر آنان هم عقیده بودند که عبور و مرور در ساعت ۱ تا ۴ بعد از ظهر و به ویژه در تابستان و بعد از ساعت ۹ شب بسیار برایشان دلهره آور است برخی از زنان معتقد بودند که نمی توانند به هم جنس خود کمک کنند چرا که خودشان نیز در معرض خطر قرار می گیرند و یا چون از مردان ضعیف ترند توانایی مقابله ندارند. در مقابل زنانی که در مناطق میانی و متراکم شهر زندگی می کنند می گویند که به

خاطرشلوغی رفت و آمد برایشان راحت تر است و حتی تا ساعت ۱۱ شب نیز می توانند در این مناطق تردد داشته باشند اما مشکلات دیگری همچون تنه خوردن، لمس شدن بدن، شنیدن متلک و حتی حرف های رکیک دارند این زنان گمان می کردند که در مناطق مرفه نشین شهر امکان ندارد مردان متلک های جنسی به زنان بگویند و یا نوع پوشش زنان زندگی می کنند در انتخاب لباس باید این موارد را نیز در نظر بگیرند و یا با شنیدن انواع متلک های رکیک و جنسی تاوان انتخاب خود را پس می دهند.

اکثر زنان معتقد بودند که برای تردد در منطقه محل سکونت خود نگرانی کم تری دارند اما در هنگام تردد در مناطقی غیر از محل سکونت و به ویژه دور از محل زندگی دچار اضطراب بیشتری می شوند.

مسئله مشترک همه که زنان شرکت کننده که به شدت آرامش روانی آنان را مختل می کند بوق زدن های رانندگان مرد غیر مسافرکش است.

مخاطرات و جرائمی که زنان شرکت کننده در جلسات با آن مواجه شده اند:

(الف) سرقت کیف پول، موبایل، گردن بند؛

(ب) شنیدن متلک و الفاظ رکیک (تمام زنان به آن اشاره کردند)

(ج) توقف اتومبیل و اصرار برای سوار شدن (۹۰ درصد زنان اشاره کردند)

(د) لمس بدن و تنه زدن عمدی (۸۰ درصد زنان اشاره کردند آنان به ویژه به میدان شهدا و قیام اشاره کردند)

(ه) تعقیب و مزاحمت در کوچه های خلوت

(و) مواجه شدن با مردانی که با حرکات بدن و یا نشان دادن عضو جنسی زنان را تهدید می کنند

(ز) تمام زنان شرکت کننده هم چنین به ترس خود از معتادان، کارتن خواب ها، گدایان، به ویژه آنهایی که ظاهر نامتعارفی دارند نیز اشاره کردند. یکی از زنان با مردی مواجه شده بود که در کنار خیابان استمناء می کرده است

(ج) زنان هم چنین به خرابه های موجود در شهر و ساختمان های نیمه کاره اشاره کردند که عبور از کنار آن ها مخصوصاً در شب برایشان بسیار دلهره آور است.

اکثر زنان با این گفته موافق بودند که در پس تمام اضطراب هایشان ترس از تجاوز و یا حتی لمس شدن نهفته است اما تجاوز فقط یک روی سکه است روی دیگر سکه برای این زنان برخورد اطرافیان و جامعه با زنی است که مورد تعرض جسمی و یا حتی زبانی قرار گرفته است.

در کل تمام زنان شرکت کننده، بروجرد را شهری ناامن می دانستند

زنان شرکت کننده براساس تعریف به توافق رسیدند که امنیت یعنی اینکه یک زن بتواند با آرامش خاطر و آسوده از چیزی که درجه اول روح و روان و درجه دوم جسم و مال وی را تهدید کند از حقوق انسانی خود در شهر برخوردار شود و برای حفظ خود مدام به حضور مردان خانواده محتاج نباشد.

پردازش های آماری حاکی از آن است که در حدود ۴۸ درصد پاسخگویان در حد زیاد ۳۳ درصد در حد کم از وقوع جرایم در معابر عمومی و فضاهای شهری می ترسند.

در حدود ۷۴ درصد پاسخگویان این پژوهش (۷۱ درصد) در حد متوسط زیاد و خیلی زیاد اخبار مربوط به جرایم را پیگیری می کنند و مهمترین منبع خبری پاسخگویان در درجه نخست تلویزیون و بعد از آن روزنامه ها هستند

در حدود ۶۰ درصد پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد با شنیدن یا خواندن اخبار جرایم و جنایات دچار دلهره می شوند

در حدود ۶۶ درصد از پاسخگویان با شنیدن یا خواندن اخبار جرم و جنایت بیشتر در روابط اجتماعی شان احتیاط می کنند

در حدود ۴۶ درصد از زنان مورد مطالعه هنگامی که منتظر تاکسی هستند در حد زیاد و خیلی زیاد از به وجود آمدن خطری برای خود در هر اسند نیمی از پاسخگویان بیان داشته اند که در این وضعیت سایر رانندگان نیز با بوق زدن چراغ زدن یا توقف برای آنان مزاحمت ایجاد کرده اند.

در حدود یک سوم پاسخگویان بیان داشته اند که در تاکسی ها به میزان زیاد و خیلی زیاد مردان با نوع نشستن خود برای آنان مزاحمت ایجاد کرده اند

در حدود نیمی از پاسخگویان در حد زیاد و خیلی زیاد در هنگام تردد در معابر عمومی از مردان مزاحم متلک شنیده اند اکثر این زنان در مقابل متلک واکنش نشان نداده و توجهی نکرده اند

۱۵ درصد از زنان مورد مطالعه بیان داشته اند که میزان زیاد ی هنگام استفاده از تلفن عمومی با مزاحمت مواجه شده اند این مزاحمت ها به شکل متلک شماره دادن پرسیدن سؤال بی مورد نزدیک شدن بیش از حد خیره نگاه کردن چشمک زدن تنه زدن دست درازی تعقیب و توقف اتومبیل ها بوده است

حدود ۶۵ درصد از زنان مورد مطالعه ای که رانندگی می کنند بیان داشته اند که به هنگام رانندگی با مسخره کردن لگد زدن موتورسواران بوق زدن های زیاد متلک گفتن چراغ زدن های بی مورد و مسخره کردن مواجه شده اند

حدود ۳۴ درصد از زنان مورد مطالعه بیان داشته اند که در معابر عمومی در حد زیاد و خیلی زیاد مزاحمانی به آنان تنه زده یا آن ها را هل داده اند نیم از این زنان در مقابل این اعمال هیچ واکنشی از خود نشان نداده اند. در حدود ۱۹ درصد پاسخگویان در ۲ سال گذشته دچار سرقت در معابر عمومی شده اند.

در حدود ۳۰ درصد از زنان مورد مطالعه ای که گفته اند در مرحله شان افراد خلافکار در جای ثابتی جمع می شوند اذعان کرده اند که این افراد تا حد زیاد و خیلی زیاد برایشان مزاحمت ایجاد می کنند این مزاحمت ها اغلب متلک حرف های رکیک ایجاد صداهای وحشتناک نگاه های ناشایست شماره دادن تمسخر و غیره بوده است

در حدود ۷۳/۷ درصد زنان مورد مطالعه به هنگام تاریک بودن معابرو به خصوص کوچه ها به میزان زیاد و خیلی زیاد احساس خطر و دلهره می کنند.

در حدود ۵۶ درصد زنانی که بیان داشته اند در مرحله شان مناطق فرسوده و متروکه زیاد است به هنگام عبور از این مناطق در حد زیاد و خیلی زیاد دچار دلهره و ترس می شوند.

در حدود ۳۰ درصد از پاسخگویان بعد از ساعت ۹ شب ۲۳ درصد بعد از ساعت ۸ شب ۱۶/۵ درصد بعد از ساعت ۱۰ شب برای بیرون رفتن از خانه برای محافظت از خود در حد زیادی از تدابیر امنیتی استفاده می کنند این تدابیر شامل همراهی یکی از اعضای خانواده و به ویژه مردان حمل چاقو، اسپری و غیره بوده است نتایج نشان می دهد که در حدود ۷۶ درصد زنان به هنگام تاریکی ۴۶ درصد برای رفتن به کوه ۳۶ درصد برای رفتن به سینما و پارک ۳۴ درصد برای رفتن به مکانهای ورزشی و ۳۳ درصد برای رفتن به بازار در حد زیادی از وقوع جرایم می ترسند

*بین وضعیت تاهل و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود نداشته است

*بین شیوه زندگی (تنها/با خانواده) و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود نداشته است

*بین نوع پوشش و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود نداشته است.

*بین گروه های مختلف تحصیلی و میزان ترس از جرائم تفاوت معنی دار است یعنی هرچه تحصیلات زنان ارتقاء یافته است میزان ترس از جرائم کاهش یافته است

*بین وضعیت محله و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود داشت یعنی ترس از جرائم در محلات با امکانات ضعیف بیشتر از آن دسته محلاتی بوده است که دارای امکانات مطلوبی بوده اند.

*بین میزان رضایت از پلیس و میزان تفاوت معنی دار وجود دارد یعنی کسانی که رضایت بیشتری از پلیس داشته اند میزان ترس آنان از جرائم کم تر بوده است

*بین میزان رابطه با همسایگان و میزان ترس از جرائم تفاوت معنی داری مشاهده نشد

*بین میزان درآمد زنان و میزان ترس از جرائم در آنان تفاوت معنی دار است یعنی زنان با درآمد بالاتر میزان کم تری ترس از جرائم دارند.

*بین سن زنان و میزان ترس از جرائم در آنان تفاوت معنی دار است یعنی میزان ترس از جرائم در گروه های سنی زیر ۲۵ سال بیشتر از گروه های سنی بالای ۴۵ سال بوده است

*بین وضعیت اشتغال و میزان ترس از جرائم رابطه معناداری وجود دارد یعنی میزان ترس از جرائم در زنان شاغل کم تر از زنان غیر شاغل است

*بین ارزیابی زنان از میزان جرائم در جامعه و میزان ترس آنان از جرائم تفاوت معنی داری وجود دارد یعنی زنانی که میزان جرم را در جامعه بیشتر می دانند دارای میزان بالاتری از ترس از جرائم بوده اند

*بین پنداشت زنان از وضعیت اقتصادی جامعه و میزان ترس از جرائم آنان رابطه معنی داری وجود داشته است یعنی زنانی که تلقی مثبت تری از وضعیت اقتصادی جامعه داشته اند دارای میزان ترس از جرم کم تری بوده اند.

*بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و ترس از جرائم تفاوت معنی داری مشاهده نشده است

*بین میزان پیگیری اخبار حوادث و میزان ترس از جرائم تفاوت معنی داری مشاهده نشده است.

*بین تجربه قبلی جرائم در زنان و میزان ترس آنان از جرائم تفاوت معنی داری مشاهده شده است یعنی زنان که قبلاً "جرائمی را در حد زیاد تجربه کرده بودند دارای میزان بالایی از ترس از جرائم بودند

*بین ترکیب قومی محل و میزان ترس از جرائم در زنان رابطه معنی داری مشاهده نشده است.

بحث و بررسی

جهت بررسی پیوند یافته های این تحقیق لازم است تا نگاهی دوباره به نظریه های تبیین کننده مسئله داشته باشیم چنان چه در بخش نظریه های تبیین کننده ترس از جرم اشاره شد یکی از عوامل تاثیرگذار در میزان ترس از جرم ویژگی های جمعیت شناختی بود نتایج تحقیق نیز نشان می دهد که در جامعه

ایرانی نیز دختران و زنان جوان بیشتر از زنان سالمند دچار ترس از جرم بوده اند و به علاوه نسبت به تعرض جنسی ترس بیشتری داشته اند یافته دیگری که موید مدل ارائه شده است تاثیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی بر میزان ترس از جرم است. پانتاسیز به عامل فقر زنان و تاثیر این عامل بر احساس آسیب پذیری تاکید می ورزید. یافته های این پژوهش حاکی از آن است که تحصیلات درآمد و وضع اشتغال با میزان ترس از جرم رابطه معنی داری داشته اند؛ یعنی در بین زنان دارای درآمد شاغل و صاحب تحصیلات بالاتر میزان ترس از جرم نیز کم تر بوده است.

یکی دیگر از عوامل تاکید شده در نظریه ها پیوند محله ای یا پیوند های اجتماعی بوده است یافته های این تحقیق رابطه معنی داری را بین میزان ترس از جرم و میزان رابطه با همسایگان نشان نمی دهد این وضعیت می تواند ناشی از این امر ترس از جرم و میزان رابطه با همسایگان نشان نمی دهد. این وضعیت می تواند ناشی از این امر باشد که احساس ترس از جرم به اندازه ای در زنان بالا رفته و شیوع یافته است که گسترش پیوند محله ای نمی تواند موجب کاهش آن شود در واقع جرائم و مخاطرات شهری در محلات نیز رو به گسترش نهاده است و تاثیر بر میزان ترس از جرم نهاده که پیوند محله ای نمی تواند سبب کاهش آن شود نکته جالب آن که چنین گسترش حداقل در ذهنیت زنان تایید شده است یعنی بین ارزیابی زنان از میزان جرائم در جامعه و میزان ترس آنان رابطه معنی داری وجود داشته است. به عبارتی زنانی که میزان گسترش جرائم در جامعه را در حد بالایی دانسته اند ترس از جرم بیشتری نیز داشته اند.

تاثیر تجربه قبلی قربانی جرائم شدن بر میزان ترس از جرم نیز همواره مورد تاکید کسانی چون واروکین بوده است یافته های این تحقیق موید آن است که در بین زنانی که قبلاً "قربانی جرائمی شده و آسیب دیده اند میزان ترس از جرم بسیار بالاتر از زنانی بوده است که فاقد تجربه آسیب دیدگی و مواجهه با مجرمان بوده اند. یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار بر متغیر ویژگی فیزیکی و طراحی شهری محل سکونت بود. در این زمینه بر نظریه نیومن ویلسون و کلینگ اشاره شد یافته های این تحقیق عوامل تاکید شده این نظریه ها را تایید می کند، چرا که میزان ترس از جرم در بین زنان ساکن در محلات فاقد امکانات و ظواهر شهری (نظیر نور کافی باریکی کوچه ها و خیابانها وجود بنا های متروکه و فرسوده خالی از سکنه) به مراتب بیشتر از زنانی بوده است که امکانات شهری و محلات مطلوبتری برخوردار بوده اند. در نهایت دو عاملی که مورد تاکید نظریه ها بوده اند در مطالعه حاضر تایید نشد یکی از این عوامل رابطه میزان پیگیری اخبار حوادث از اطرافیان و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دیگری وجود تنوع با یکدستی قومی در محل سکونت پاسخگو و رابطه آن

ها با میزان ترس بوده است. با توجه به مطالب پیش گفته و در یک ارزیابی کلی می توان مدل نظری مندرج در صفحه ۱۰ را مورد بازنگری قرارداد. در مدل مذکور بر چهار دسته از عوامل - جمعیت شناختی پنداشتی پیوندهای محله ای و محیطی - تاکید شده بود یافته های تحقیق تاثیر عوامل جمعیت شناختی را تایید می کنند هر چند که از این دسته عوامل باید میزان پی گیری اخبار و استفاده از رسانه ها را حذف کرد عوامل پیوند محله ای در جامعه مورد بررسی تاثیر گذار نبوده در مقابل عوامل پنداشتی تاثیر بسیار زیادی بر ترس از قربانی جرائم شدن داشته اند در بین عوامل محیطی نیز عامل طراحی شهری تایید شده اما ویژگی های قومی و زبانی تاثیر گذار نبوده اند.

پیشنهادات

در مجموع بر پایه یافته های این تحقیق سیاستگذاری ها و برنامه های زیر قابل بررسی است:

الف) بیشتر زنان اخبار مربوط به حوادث جرم و جنایت را از تلویزیون می گیرند. لذا سیاست گذاری های آموزشی، فرهنگی و اطلاع رسانی درباره جرائم شهری و تدابیر مربوط به محافظت زنان در برابر این جرائم باید با تکیه بر این رسانه جمعی ارائه شود. هم اکنون شبکه پنج یا تهران در برخی موارد در برنامه "در شهر" به پخش اخبار حوادث می پردازد و شبکه خبر نیز در هر شبانه روز ۱۵ دقیقه این اخبار را پخش می کند. جالب آن که به دلیل برخی محدودیت های اجتماعی - سیاسی، این شبکه ها تلاشی در جهت باز کردن جرائمی که زنان قربانیان اصلی آن هستند از خود نشان نمی دهند این امر باعث شده است که اکثر اخبار به حوادث رانندگی با سرقت اختصاص یابد در بحث سرقت یا کیف قاپی نیز بیشتر با سارقان گفتگومی شود تا قربانیان به نظر می رسد که تلویزیون می تواند برخورد فعالانه تری با موضوع داشته باشد این رسانه همان گونه که تیزرهای تبلیغی مربوط به رانندگی را پخش می نماید می تواند نکات ایمنی و حفاظتی مربوط به زنان را در زندگی شهری و فضاهای عمومی نشان دهد.

ب) مسئله مهم دیگر، وضعیت یا ویژگی های محیطی - فیزیکی محلات است. هم اکنون پروژه های نیمه کاره شهری، ساختمان های متروکه و فرسوده یکی از معضلات شهر بروجرد است با مرور اخبار حوادث درمی یابیم که جرائم بسیاری نظیر کودک آزاری و تجاوز جنسی در همین ساختمان ها یا مکان ها انجام می شود لذا ترس زنان از این موارد طبیعی است. لازم است تا از این بعد حل این معضلات

در دستور کار شهرداری ها قرار گیرد نور کافی کوچه ها نیز از مشکلات دیگر شهروندان بروجرد است به بیان بسیاری از زنان در جلسات متمرکز گروهی در کوچه یا اصلاً "لامپی وجود ندارد یا درون محفظه لامپ پرازلاشه حشرات است و کسی آن ها را خالی نمی کند و یا لامپ ها در لای برگ ها و شاخه های درختان گم شده و نور ندارند این مشکلات با پیگیری جدی قابل حل شدن است نکته دیگر معابر عمومی شهر است در بسیاری از خیابان ها شاهدیم که با پیاده روی وجود ندارد یا با عرض یک متر معبری در نظر گرفته شده است عبور زنان از این دست خیابان ها اضطراب زا و ایجاد کننده ترس است چرا که با معضل کیف قاپی یا دست درازی مواجه می شوند لازم است تا در شهرسازی چنین مشکلاتی ملاحظه شود در واقع شهرسازی باید نگاهی جامع به همه اقشار و گروه های اجتماعی داشته باشد.

ج) چنانچه این تحقیق نشان می دهد زنان به دلیل جنسیت خود در معابر عمومی متلک می شنوند وقتی منتظر تاکسی هستند سایر رانندگان مزاحم آنان می شوند در کیوسک تلفن به آن ها شماره داده می شود یا به سمت ماشین های پارک شده مورد اشاره قرار می گیرند به هنگام رانندگی حرکات ناشایستی از مردان می بینند و غیره حل چنین معضلاتی نیازمند فعالیتی سیستماتیک و سازمانی است هم اکنون همه سازمان ها و وزارتخانه ها دارای واحد امور بانوان هستند هر سازمانی می تواند نکات ایمنی مربوط به این امور را چاپ و اطلاع زنان سازمان متبوع خود برساند همان گونه که درباره زلزله چنین بروشورهایی چاپ شده است.

منابع

- ۱- احمدی، حبیب (۱۳۸۴) جامعه شناسی انحرافات. تهران، انتشارات سمت
- ۲- پیران، پرویز (۱۳۶۶)، دیدگاه های نظری درباره شهروشنشین، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی .
- 1-Braungart.M.M,Richard G,Braungarf&Hoyer,w.j.(1980),Age,Sexandsocialfactorsinfear ofcrimes.SociologicalFocus,13.
- 2-Ferraro,K.(1996),woman Fear of Vicimization:Shadow of Sexual Assault?,Social Foeces,75
- 3-Fischer,Claude.(1982),TO Dwell among Friends,Chicago,Universily of Chicago.
- 4-Greenberg,Stephanie.Rone,w.& willies,L.(1982),Safety in Urban Nieghborhoods,Population and Environments,5
- 5-Jacobs,J.(1981),TheDeath and Life of Great American Cities,New York,Vintage.
- 6-Keane,Carl.(1995),Victimization and Fear,Canadian Journal of Criminology,37
- 7-Macmillan,Ross:Nierobisz,A.& Welh,Sandy (2000).Experieneing the Streels:Harassment and Pereception of Safety among Women.Journal of Resarch in Crime and Delinquency.37
- 8-Madriz,Esther.(1997),Notling Bad Happens to Good Girls: Fear of Crinte in Woman,s Lives, Berkley,University of Califoia press.
- 9-Merry,Sally.(1991),Urban Danger.Life in a Neighborhood of Strangers Philadelphia,Temp)&University.
- 10-Pantasiz,Christina.(2000),Fcar of Crime,Poverty and Vulnerability,British Joumal of Criminology,40.
- Safety and fear of Crime ,Woan and Criminal Justice,4.
- 11-Schweitzer,J.H.et.al.(1977),TheImpaet of the Built Environment on Crime and Fear ofCrime in Urban Neighborhoods, Joumal of Urban T echnology, Vol.6,N.3
- 12-Skogan W,G.& Maxfield,M.(1980),Coping with Crime: Victimizaton, Fear and Rcactions to Crime in Three American Cities. Northwcstem Universiry, Centre for Urban Affaies.
- 14-Warr.Mark.(1984).Fcar \-Stanko Elizabeth .(1992),The Case of Fearful woman: Cender, Personal of Victimizatin:Why Are Women and Elderly more Afraid? Social Science Quarterly,65.
- ۱۵ -wison J.Q.&Killing, G.(1982),Broken windows, Altantic Monthly,